

موارد استثناء از حرمت سب

بدعت گزار[۱]؛ چه بدعت گزار در اصول باشد و چه در فروع:

الف) در صورتی که دشنام به این افراد، سبب منزوی شدن آنها شود، به گونه ای که نتوانند در ایمان مؤمنان اثر بگذارند، دشنام و سب آنها واجب است.

ب) اگر در جایی سب این افراد اثر عکس گذارد، این سب حرام است؛ مانند اینکه به بدعت گزاری دشنام دهند و او در مقابل، منش مظلومانه به خود بگیرد و باعث شود عده ای بگویند که این دشنام از بی منطقی است. (مکاسب محرمة، ج ۲۱۵، ص ۲)

۲. بعنوان تقاص ساب

دشنامی که مسبب[۲] به عنوان جواب و از باب تقاص به ساب[۳] می دهد؛ به شرطی که همان دشنام یا مثل آن دشنام داده شود، نه بیشتر یا غلیظ تر. (مکاسب محرمة، ج ۲۱۶، ص ۷)

۳. اهانت و دشنام دادن متجاهر به فسق، در همان فسقی که به آن تجاهر می کند؛ به شرطی که به قصد نهی از منکر باشد؛ یعنی دشنام می دهد تا به این وسیله او را از آن منکر باز دارد. (مکاسب محرمة، ج ۲۱۴، ص ۶)

[۱]. بدعت به این معناست که چیزی که مسلماً از دین است، نفی کند، یا چیزی که از دین نیست، وارد دین کند و فرقی نمی کند که این بدعت، در فروع باشد یا در اصول. همچنین فرقی نمی کند در اصول اساسی باشد یا در اصولی که اعتقاد به آن ملاک کفر و ایمان نیست؛ مثل بسیاری از مبانی اعتقادی که جزو اصول دین یا مذهب به حساب نمی آیند. لکن جزو اعتقاداتند. (مکاسب محرمة، ج ۲۱۵، ص ۲)

[۲]. دشنام داده شده.

[۳]. دشنام دهنده.